

تاریخ دریافت : ۱۳۹۵/۰۴/۲۹
تاریخ پذیرش : ۱۳۹۵/۱۱/۲۰

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز تحت عنوان :

New Approaches to the Landscape Aesthetics Research

در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

رویکردهای نوین در پژوهش زیبایی‌شناسی منظر

امین حبیبی*

چکیده

امروزه زیبایی‌شناسی نقش گسترده‌ای در معماری منظر ایفا کرده و همچنین به عنوان محرکی برای تغییر بنیادین منظر براساس طیف متنوعی از ارزش‌های فرهنگی، از جمله عدالت اجتماعی در کنار حقوق زیست محیطی، عمل می‌کند. کارکرد زیبایی‌شناسی و تجربه آن؛ ارایه فرم‌های جدید معماری منظر پایدار و کمک به زیبایی، قابل قبول بودن و معنی‌دار کردن آن است. با بررسی زیبایی‌شناسی منظر و اهمیت آن، هدف پژوهش حاضر، یافتن پارادایم جهت‌گیری‌های آینده در پژوهش زیبایی‌شناسی منظر بوده و در آن به جهت‌گیری‌هایی پرداخته شده که زیبایی‌شناسی به آینده پژوهش‌های منظر می‌دهد. با توجه به اطلاعات کیفی حاصل از مطالعات صورت گرفته، برای درک سمت و سوی پژوهش‌های آینده در زمینه زیبایی‌شناسی منظر، سه رویکرد متفاوت در نظر گرفته و هر کدام به تفصیل شرح داده شده است. فرض پژوهش بر این پایه استوار است که سه رویکرد پدیدارشناسانه، روان‌شناسانه و اکولوژیک می‌تواند پارادایم کلی را در خصوص زیبایی‌شناسی منظر شکل داده و جهت‌گیری‌های آتی را در حوزه پژوهشی منظر مشخص کند، برای اثبات فرضیه ذکر شده پاسخ به سؤالات ذیل ضروری است: رویکردهای نوین پژوهش زیبایی‌شناسی منظر کدام‌اند؟ و چگونه می‌توان از این رویکردها جهت شکل‌دهی به پژوهش‌های آتی زیبایی‌شناسی منظر بهره برد؟ از آنجا که هدف این مقاله نتیجه‌گیری از تحقیق در چارچوب سامانه‌های مفهومی با کاربردی تبیینی و جامع است در راهبرد تحقیق از استدلال منطقی استفاده شده که با مرور تحلیلی ادبیات موضوع از طریق مدارک کتابخانه‌ای و اینترنتی سعی در پاسخ به سؤالات فوق دارد. از تحلیل سه رویکرد فوق و نتایج و جداول مربوطه، به دیدگاه اندیشمندان و تیپولوژی فکری آنها در قرن اخیر دست یافته است. در صورتی که رویکرد پدیدارشناختی، به گونه‌ای تبادلی و رویکرد اکولوژیک، به گونه‌ای کل‌نگر در نظر گرفته شود، دیدگاه مذکور به رویکرد روان‌شناختی و گونه تکاملی، مربوط است. در پایان نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که با توجه به آینده پژوهش‌های زیبایی‌شناسی منظر، رویکردهای معرفی شده فوق نه تنها با یکدیگر ناسازگار یا در رقابت نیستند، بلکه مکمل یکدیگر نیز بوده و تجلی یا بیان‌هایی مختلف از فرم‌های زیبایی‌شناسی منظر هستند.

واژگان کلیدی

منظر، زیبایی‌شناسی، رویکرد روان‌شناختی، رویکرد پدیدارشناختی، رویکرد اکولوژیک.

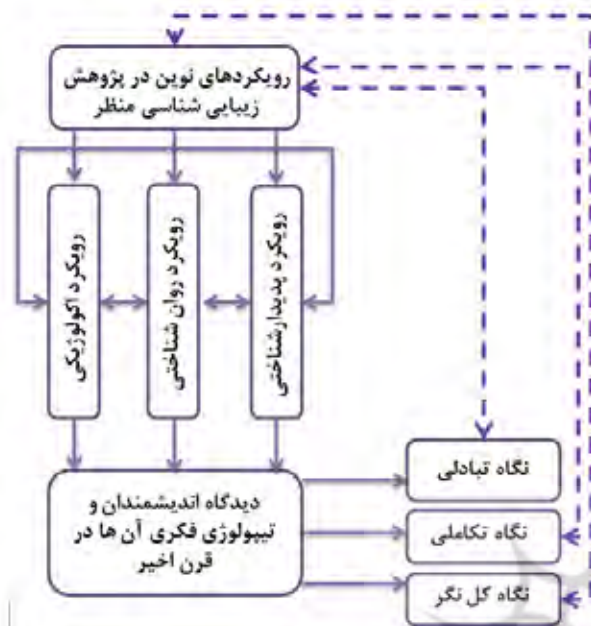
*. دکتری معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه شیراز، ایران. ۰۹۱۷۷۳۸۹۸۴۸ a_habibi@shirazu.ac.ir

مقدمه

با شروع کار تحقیقاتی در اوایل دهه ۶۰، برای اولین بار اولویت‌های پژوهشی منظر با تمرکز ویژه بر مسایل مربوط به محیط مصنوع در مقابل محیط طبیعی ترسیم شد. در نیمه دوم قرن بیستم، زیبایی‌شناسی منظر در اغلب پژوهش‌های منظر، به‌عنوان حوزه مجزایی از مطالعه در نظر گرفته می‌شد که ارزش‌های اجتماعی - فرهنگی آن مستقل از ملاحظات دیگرش مورد بررسی قرار گرفته‌اند. بعدها طرفداران زیبایی‌شناسی اکولوژیک، این دیدگاه را به چالش کشیدند: نخست اینکه آنچه باعث زیبایی مناظر می‌شود؛ غالباً با ارزش‌های ذاتی دیگران مانند تنوع زیستی مرتبط است، دوم اینکه این ارزش‌های ذاتی، قابلیت تغییر برداشت مدرک نسبت به چگونگی درک زیبایی منظر را دارند.

بر اساس ویژگی‌های رویکردهای متفاوت زیبایی‌شناسی می‌توان آنها را بر اساس یک سلسله مراتب منطقی در زیبایی‌شناسی به کار برد (کریمی مشاور، ۱۳۹۲: ۵۳).

با توجه به اینکه یافتن الگویی تأثیرگذار از رویکردهای آینده در پژوهش زیبایی‌شناسی منظر در برنامه‌ریزی، طراحی و مدیریت منظر اهمیت بسزایی دارد (همان: ۵۳)، هدف پژوهش حاضر، یافتن پارادایمی کلی برای جهت‌گیری‌های آینده در پژوهش زیبایی‌شناسی منظر است. جهت اثبات این فرضیه که سه رویکرد پدیدارشناسانه، روان‌شناسانه و اکولوژیک می‌تواند پارادایم کلی را در خصوص آینده زیبایی‌شناسی منظر شکل داده و جهت‌گیری‌های آتی را در حوزه پژوهشی منظر مشخص کند، نوشتار حاضر به دنبال یافتن پاسخ برای این پرسش‌هاست که رویکردهای نوین پژوهش زیبایی‌شناسی منظر کدام‌اند؟ معیارهای ارزیابی هر کدام از این رویکردها چیست؟ و چگونه می‌توان از این رویکردها جهت شکل‌دهی به پژوهش‌های آتی زیبایی‌شناسی منظر بهره برد؟ از آنجا که هدف این مقاله نتیجه‌گیری از تحقیق در چارچوب سامانه‌های مفهومی با کاربردی تبیینی و جامع است در راهبرد تحقیق از استدلال منطقی استفاده شده که با مرور تحلیلی ادبیات موضوع از طریق مدارک کتابخانه‌ای و اینترنتی سعی در پاسخ به سؤالات فوق می‌کند. برای این منظور ابتدا سه رویکرد برگرفته از زیبایی‌شناسی منظر یعنی رویکرد اکولوژیک، رویکرد روانشناختی و رویکرد پدیدارشناختی مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به این که ادراکات عقلی و ادراکات قلبی انسان در دو بستر جداگانه قدرت عمل دارند (منصوری، ۱۳۸۳: ۸۳)، با دسته‌بندی تیپولوژی فکری اندیشمندان و نظریه پردازان به دسته‌های تبدلی، کل‌نگر و تکاملی به صورت اکتشافی به ارتباط بین این سه نگاه و پژوهش‌های آتی منظر در حوزه زیبایی‌شناسی پرداخته شده است (تصویر ۱).



تصویر ۱. چارچوب مفهومی تحقیق، رویکردهای نوین در پژوهش زیبایی‌شناسی منظر. مأخذ: نگارنده.

پیشینه تحقیق

آنچه امروزه مورد نیاز است، توجه و درک انواع رویکردهای ممکن به زیبایی‌شناسی منظر است. فلسفه وهنر؛ هردو (بعضاً با تمرکز بیشتر بر منظر)، ادبیات گسترده مربوط به زیبایی‌شناسی خود را دارند (Jorgensen, 2011: 353-355). نقل یورگنسن از میرویدگران چنین است که زیبایی و تجربه زیبایی‌شناسی و نقش آن در آرایه فرم‌های جدید معماری منظر پایدار و کمک به زیبایی، قابل قبول بودن و مطلوب کردن آن، موجب غفلت قرار گرفته است (Ibid:353-355). زوب (۱۹۸۴)، پورتئوس (۱۳۸۹) و کارلسون (۱۹۷۹، ۱۹۹۳، ۲۰۰۱، ۲۰۰۴، ۲۰۰۶)، معتقدند رویکرد تجربی و انسان‌گرایانه، انسان را در بهترین حالت به عنوان بخشی از محیط در نظر گرفته و پتانسیل بالایی برای ادغام پارادایم‌های دیگر به عنوان یک کانون تبدلی یا ابداعی نشان می‌دهند، برای نمونه، تعریف اتلسون (۱۹۷۳)، از درک منظر می‌تواند بین رویکردهای شناختی و تجربی قرار گیرد. مدل محیطی کارلسون، مدل‌های دیگر را بر حسب دانش و تجربه برای ارزشیابی زیبایی‌شناختی با هم ترکیب می‌کند. بر اساس مرور و بازبینی تحلیلی رویکردهای فعلی و نواقص آنها، جهت شکل دادن یک پارادایم جدید درباره زیبایی‌شناسی منظر و نظریه عمومی درباره تجربه زیبایی‌شناسی، به صورت پارادایمی ظاهر می‌شود که باید کلی‌نگرانه‌تر، بین‌رشته‌ای‌تر، مبادله‌ای‌تر و ابداعی‌تر از پارادایم‌های موجود باشد. بنابراین باید نظریات محققان مختلفی که سعی در آرایه پارادایمی

نگاه تبادلی به تجربه منظر با رویکرد پدیدارشناختی

تبادل زیبایی‌شناختی تا جایی روی می‌دهد که تحلیلگران، خواص و کیفیت آثار خلق‌شده طراحان را مورد تقدیر قرار دهند، تحلیلگر و طراح یا هنرمند به واسطه تجربه آثار طراحی یا هنری به یکدیگر مرتبط می‌شوند.

دراولین تلاش تجربی برای شناسایی ویژگی‌های کیفی که بین آثار هنری و محیط مشترک‌اند، برلینت فاکتورهایی را تعیین می‌کند که شرایط این ویژگی‌ها را در حالت‌های مختلف تجربه زیبایی‌شناختی تعیین می‌کند. به عنوان فاکتورهای شرایط زیبایی‌شناسی، او ابتدا زمینه زیبایی‌شناسی را به عنوان یک زمینه ادراکی تعریف کرده و سپس طیف گسترده‌ای از پاسخ‌های احساسی مانند حس بصری، لامسه، شنوایی، بویایی و ادراکات جنبشی موجود در تجربیات عادی ما را فرا خوانده و آنها را به عنوان فاکتورهای بیولوژیکی تعریف می‌کند.

رویکرد روان‌شناختی

دومین عاملی که باید در نظر گرفته شود، عامل روان‌شناسی است که به تحلیل ما از شناسایی الگوهای خاص تجربه بصری می‌پردازد، این فاکتور مبتنی بر نگرش ما از نقطه نظرات علوم رفتاری، روان‌شناسی گشتالت و علم شناخت است. از دیدگاه برلینت (Berleant, 2005)، حالت دیگر تجربه زیبایی‌شناختی، فهم آن است. به عنوان یک تحقیق تجربی، روان‌شناسی فهم زیبایی «یک مرحله عقب‌تر از روان‌شناسی ادراک» است، به گونه‌ای که مصاحبه‌ها و پرسشنامه‌ها، بیشتر تحت تأثیر ایده‌های اولیه مصاحبه‌شوندگان قرار دارند تا تجربه واقعی فهم آن. بنابراین قبل از هرگونه اقدام برای ارزیابی زیبایی، ابتدا باید ویژگی پاسخ‌های مربوط به هر حالت از تجربه زیبایی‌شناختی را تعیین کنیم (جدول ۱).

جدول ۱. چارچوب مفهومی برلینت از تجربه منظر. مأخذ: برلینت، ۲۰۰۰.

تجربه منظر		
وجه مشخصه‌ها	عوامل	
فعال، پذیرا، کیفی، بلاواسطه، شهودی، واحد، ذاتی، یکپارچه، پیش استدلالی، غیر شناختی	ادراک	بیولوژیکی
		روان‌شناختی
شناختی ادانش محور تحلیلی / و ...	فهم و ارزیابی	فرهنگی اجتماعی / تاریخی

تعریف زیبایی‌شناسی منظر ارتباط نزدیکی با فرایندهای فیزیولوژیکی و روان‌شناختی دارد. این فرایندها زمینه ارزیابی زیبایی‌شناختی منظر و شکل‌گیری تجربه زیبایی‌شناختی را فراهم می‌کند. با اتکا بر پروژه‌های اخیر زوب، راشل

جامع و یکپارچه‌تر دارند، مورد بررسی قرار گیرد. سه موضوعی که در ادامه بررسی می‌شوند، پارادایم‌های تبادلی، تکاملی و کل‌نگر را در تجربه زیبا شناختی منظر روشن می‌کنند، به عبارت دیگر ماهیت تجربی زیبایی‌شناسی منظر به ترتیب از دیدگاه‌های پدیدار شناسی، روان‌شناسی و اکولوژیکی بررسی می‌شود.

رویکرد پدیدارشناختی

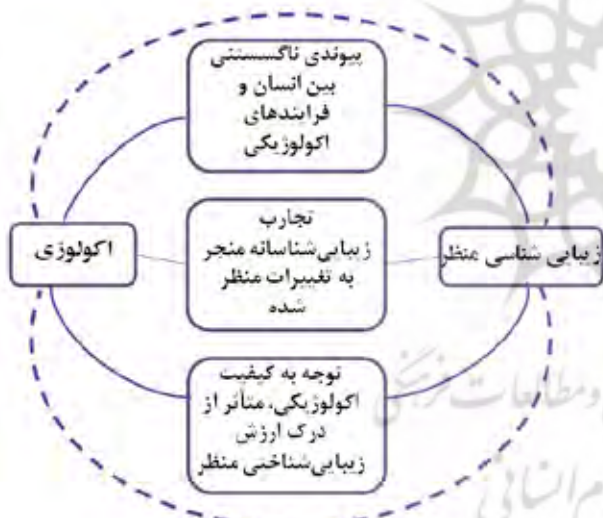
برلینت (Berleant, 1997)، تأکید می‌کند که محیط مدت‌هاست به واسطه علوم طبیعی تفسیر شده و به ندرت توسط جغرافیدانان و اکولوژیست‌های فرهنگی تعریف می‌شود. این در حالی است که ارزشیابی زیبایی‌شناختی از محیط، تحت تأثیر مباحث سنتی نظریه هنر قرار دارد و به دلیل تمرکز متداولی که در ارزشیابی صورت می‌گیرد، تا حدی به بیراهه رفته و دیری است که آثار هنری اصولاً به عنوان یک پدیده شناختی، خیالی و بی‌طرف تصور می‌شوند. برلینت (Berleant, 2000)، معتقد است یک نظریه کل‌نگر، باید به واسطه انواع تجارب زیبایی‌شناختی در زندگی روزمره، نگرشی تحلیلی از آنچه که در تجربه زیبایی‌شناختی روی می‌دهد، ارایه کند. او در ادامه می‌گوید، یکپارچگی تجربه زیبایی‌شناسی در واقع «رشته زیبایی‌شناسی» است که دارای روابط عملی و بویایی در میان چهار جزء سازنده‌اش است: هنرمندان، ناظران، اهداف زیبایی‌شناسی و منتقدان (تصویر ۲).



تصویر ۲. اجزاء سازنده زیبایی‌شناسی و روابط بین آنها. مأخذ: نگارنده به نقل از برلینت. مأخذ: نگارنده.

رویکرد اکولوژیکی

از دید گابستر اگرچه علم و هنر از راه‌های ضروری برای شناخت جهان به شمار می‌روند، اما بیشترین واکنش‌ها به محیط از طریق تجربه شخصی از منظر تعیین می‌شود (گابستر، ۱۳۹۰: ۳۶). کوه معتقد است که هنرنظر به زیبایی‌شناختی باید به لحاظ کسب اطمینان از کارایی آن در طراحی به کار رفته و آزمایش شود، تا جایی که مباحث زیبایی‌شناسی در کانون طراحی محیطی قرار دارند، آثار طراحی را می‌توان به لحاظ تجربی ارزیابی کرد (Koh, 1998: 177-191). با توجه به رابطه نزدیک و پیچیده زیبایی‌شناسی و اکولوژی، شناخت ماهیت این رابطه، نقش مهمی در ادراک اکولوژی منظر دارد. دلایلی که در تصویر ۴ دیده شده مشخص می‌سازد چرا ملاحظات زیبایی‌شناسی به پیش‌بینی تغییرات منظر و دلالت‌های محیطی آن کمک می‌کند.



تصویر ۴. رابطه زیبایی‌شناسی منظر با اکولوژی. مأخذ: نگارنده.

نگاه کل‌نگر به تجربه منظر در رویکرد اکولوژیکی

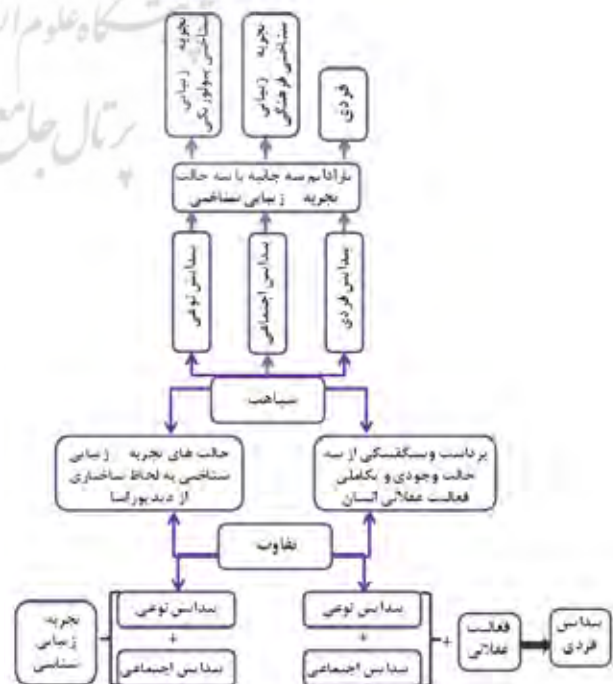
رویکردهای معمول، زیبایی‌شناسی را با در نظر گرفتن اثر هنری به‌عنوان مشاهده‌ای عینی از بُعد ساکن و ایستای جسم، بررسی کرده و سعی در دنبال کردن روندی علمی، هدفمند و مثبت دارد، در حالی که در رویکرد پدیدارشناختی، زیبایی‌شناسی جنبه‌های کلی و انسانی را در نظر گرفته و تلاش می‌کند تا طراحان را تشویق به تجربه محوری و فردیت کند (تصویر ۵).

بنابراین، برای کمک به طراحان در بررسی ارزش‌ها و قضاوت‌های زیبایی‌شناختی هدفمند، به‌عنوان یک نظریه عمومی به یک نظریه ترکیبی یا پارادایمی اکولوژیکی نیاز داریم. "کوه" عنوان «نظریه خلاقیت» را بر آن نهاده است (جدول ۲).

وکاپلان، کلرت، اولریش، ویلسون و بسیاری دیگر، جوانب زیادی وجود دارد که نیازمند بررسی‌های بیشتری است. پارسونز (۱۹۹۱)، در میان اولین کسانی بود که جوانب تجربه منظر را با تغییرات فیزیولوژیکی و نیز با فرضیه مرتبط با مسیرهای عصب شناختی وابسته به واکنش‌های مختلف منظر پیوند داده‌اند.

نگاه تکاملی به تجربه منظر در رویکرد روان‌شناختی

بوراسا در آثار آخر خود دو احتمال را برای شناسایی اصول زیبایی‌شناسی در نظریه می‌گیرد که یکی بر اساس فرضیات بیولوژیکی و دیگری مستند بر فرضیات فرهنگی است. وی حالت‌های سه‌گانه تجربه زیبایی‌شناختی را به‌عنوان رویکردی در یک نظریه جامع، ارائه می‌دهد. او نخست نظریات روان‌شناسی فرهنگی - تاریخی، ویگفسکی را اجرا می‌کند، سپس تحقیقات مک لین و زاجوناک را درباره احساس و تفکر مرور کرده تا حالت‌های مجزای تجربه بیولوژیکی و فرهنگی را به یکدیگر پیوند دهد، در گام بعدی از نظریه عمومی مه‌یر استفاده کرد و نهایتاً «حالت‌های تجربه زیبایی‌شناسی و تجلی آنها را به صورت محدودیت‌ها و فرصت‌های زیبایی‌شناسی» مطرح کرد. حالت‌های تجربه زیبایی‌شناختی بوراسا به لحاظ ساختاری شبیه برداشت ویگفسکی از سه حالت وجودی و تکاملی فعالیت عقلانی انسان است (تصویر ۳).



تصویر ۳. شباهت و تفاوت برداشت ویگفسکی از سه حالت وجودی و تکاملی فعالیت عقلانی انسان. مأخذ: نگارنده.

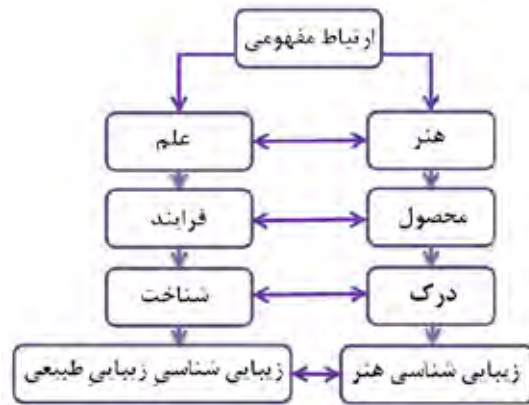
می‌شود که امکان انتخاب‌های زیبایی‌شناختی را چه از نظر کمی و کیفی، چه از نظر تجربی و انسانی فراهم می‌کند. دسته بندی به هر شکلی، علمی یا انسان‌گرایانه، کاربردی یا نظری و کمی یا کیفی باز هم به ایجاد دسته‌های کلی‌تری نیاز دارد که تجربه انسان را تقویت کرده و قادر به ادغام الگوها و مدل‌های مختلف موجود هستند (جدول ۴).

روشن است که همواره دوگانگی بین رویکردهای تجربی و فکری وجود داشته است. براساس دسته بندی چهارگانه دانشمندان، به‌طور کلی منظور از مطالعات تجربی دو رویکرد تحلیلی و مفهومی است. برای دستیابی به رویکردی تبدیلی در حل این دوگانگی، پیشنهاد می‌شود که رویکرد تجربی بیشتر به سمت انسان‌گرایی تحلیلی و رویکرد منطقی بیشتر به سمت انسان‌گرایی مفهومی گام بردارد. در این صورت، نظریه زیبایی‌شناسی تجربه منظر می‌تواند درک تجربی را شرح داده و مشی روشنی برای هنجارهای مفهومی باشد. بنابراین تجربه زیبایی‌شناسی را به طور کلی می‌توان به دو دسته تقسیم کرد :

جدول ۳. انسان‌گرایی مفهومی-تحلیلی و ارتباطشان با رویکردهای منظر.
مأخذ : نگارنده.

نوع واژه مفهومی	انسان‌گرایی تحلیلی	ادغام رویکرد اکتشافی	انسان‌گرایی مفهومی
رویکردهای موجود	روان-تنی، فرمال، صحنه ای، تجربی، فردی یا غیر فردی	تجربی انسانی بین فردی	تخصصی فردی یا غیر فردی
رویکردهای پیشنهادی	تجربی: انسان‌گرایی تحلیلی	تجربی: انسان‌گرایی تحلیلی-مفهومی	تجربی: انسان‌گرایی مفهومی
مشخصه های نظری	توضیحی توصیفی	توضیحی هنجاری توصیفی	هنجاری توصیفی
ارتباط سنتی فرد و مکان	سببی-ریاضی محرک-پاسخ عینیت‌ها-انسان-ذهنیت‌ها	کل نگر تکاملی متعالی	منابع-مدیریت اکوسیستم-مراقبت محیط-مشارکت فرهنگ-طبیعت انسان
زمینه‌های زیبایی‌شناختی	بیولوژیکی شناختی رفتاری روان شناختی	اکولوژیکی پدیدارشناختی روان شناختی	اکولوژیکی فرهنگی اجتماعی تاریخی پدیدارشناختی

تحلیل‌گرا و مفهومی. رویکرد تحلیلی‌گر که با احساس، حس و تفکر سروکار دارد به ما کمک می‌کند اجزای ادراکی (حس) موجود در رابطه بین افراد و مکان را از طریق توضیح و ارزیابی خود درک کنیم. رویکرد مفهومی، که در عرض ارتباط با احساس، شهود و تفکر است به ما کمک می‌کند



تصویر ۵. ارتباط زیبایی‌شناسی هنر و زیبایی طبیعی در نظریه خلاقیت کوه. مأخذ : نگارنده به نقل از کوه.

جدول ۲. فرضیات تجربی کوه برای تئوری زیبایی‌شناسی خلاقیت. مأخذ : نگارنده به نقل از کوه.

طراحی تجربه زیبایی‌شناسی ادراک و شناخت:	
<ul style="list-style-type: none"> مکمل یکدیگر فرایندهایی خلاق و سازگار 	
<p>طراحی:</p> <ul style="list-style-type: none"> به‌عنوان یک فرایند حل مسئله (خلاقیت هنری و علمی) به تفکر بصیری و فضاوت زیبایی‌شناسی می‌پردازد. به دنبال راه‌حل‌های اساسی است، بلکه همیشه راه‌حل‌های عالی را برمی‌گزیند. 	
<p>حس زیبایی:</p> <ul style="list-style-type: none"> با شادابی، شوخ طبعی، و لذت جویی همراه است. در ارتباط با چهار جنبه‌ی روان‌شناسی خلاقیت یعنی فرایند، محصول، فرد و محیط است. 	فرضیات تجربی کوه برای تئوری زیبایی‌شناسی خلاقیت
<p>دانشمندان، هنرمندان و طراحان خلاق:</p> <ul style="list-style-type: none"> برای زیبایی‌شناسی و مباحث تئوریک در مقایسه با موضوعات عملی و اخلاقی ارزش بالاتری قائل می‌شوند. 	
<p>زیبایی‌شناسی و طراحی:</p> <ul style="list-style-type: none"> هر دو یک فرایند و محصول خلاق هستند. (ازیرا یک فرایند خلاق همواره به شکل محصولی خلاق ظاهر می‌شود: فرایند و محصول دو جنبه از یک چیز هستند.) 	
<p>هنر و دانش:</p> <ul style="list-style-type: none"> به آثار هنری و طبیعت می‌پردازند. هر دو محصولات خلاقانه‌ای هستند که واکنش و پاسخ زیبایی‌شناسی را تحریک می‌کنند. 	

بحث

گرچه الگوهای موجود و مدل‌های فکری مطالعات مربوط به حوزه زیبایی‌شناسی منظر، به دنبال آرایه فرضیات نظری و شیوه‌های متفاوتی است، اما موضوع اصلی تمامی این رویکردها یکسان است : تجربه زیبایی‌شناسی منظر.

مدل‌های مفهومی تشریح شده ادبیات موضوع، درحوزه مطالعات ارزیابی کیفی منظر، شامل مدل‌های بوم‌شناختی، زیبایی‌شناختی، روان-تنی، روان‌شناختی و پدیدارشناختی، با تغییردسته‌بندی روش‌های ارزیابی باعث پیدایش معیارهایی

کرده‌اند. این بدان معناست که درحالی که هر رویکرد نظری کماکان تا حدی در محدوده حوزه خود مؤثر و قابل پذیرش است، اما به‌طور کلی ممکن است کافی نباشد. البته به شرط آنکه تجربه منظر به عنوان یک اصل کلی در نظر گرفته شود، نه اینکه بخش‌های مختلف آن به صورت مجزا و در قالب‌های تحلیلی و دانشی در نظر گرفته شوند.

تا مؤلفه معنوی پایه‌ای (شهود) را درک کنیم. جنبه‌های قطبی احساس و شهود نشان دهنده جهت دوگانه مطالعات هستند : علمی (آگاهانه) و انسان‌گرایانه (جدول ۴). در نتیجه، این طرحواره فراتر از چهاربخشی نشان از آن دارد که الگوهای موجود و دیدگاه‌های نظری زیبایی‌شناسی منظر مجوز بررسی این موضوع را ذیل تحقیق علمی صادر

جدول ۴. دسته‌بندی اندیشمندان در ارتباط با رویکردهای منظر. مأخذ : نگارنده.

گونه‌های متعامل	حس-عقل	عقل-شهود	شهود-احساس	احساس-حس
	دانشمندان تحلیل‌گرا	نظریه پردازان مفهومی	انسان‌گرایان مفهومی	انسان‌گرایان خاص
نیولوزی دانشمندان	غیرشخصی متخصص روش مند منطقی خاص	غیرشخصی عمومی نگر اندیشه مدار پر پندار کل نگر	شخصی عمومی نگر اندیشه مدار پر پندار کل نگر	شخصی منطقه گرا تصمص نگر متمركز خاص
گرایش اولیه	قدردان	ارزیابانه	توجیعی	توضیحی
مدل‌های فهم محیطی کارلسون (۱۹۷۹ و ۱۹۹۳) و (۲۰۰۴ و ۲۰۰۰)	مدل شیء-منظره مدل محیطی مزدوج	پست مدرن	تصور متافیزیکی	انگیزی
پارادایم‌های ادراک و ارزیابی منظر	روان‌تنی زیبایی‌شناختی فرمال اکولوژیک	بدینارشناختی	تجربی	روان‌شناختی
(دانیل و وینینگ ۱۹۸۳)	روان‌تنی	خیره	تجربی	شناختی
(زوب: ۱۹۸۲)	روند اکتشافی (توضیحی + توصیفی + هنجاری)			
(سل: ۱۹۸۴)	رفتاری	تخصصی	نسبی	رفتاری
پارادایم‌های زیبایی شناختی محیطی (پرتسوس: ۱۹۹۶)	تجربه گرایان	برنامه ریزان	انسان‌گرایان	تجربه گرایان

نتیجه‌گیری

همان‌طور که گفته شد مطالعات معاصر درباره زیبایی‌شناسی منظر به دو عرصه تقسیم شده‌اند- علوم تجربی و علوم انسانی، اما تلاش‌های کمی برای دست‌یابی به اثبات مفهومی و تدوین مؤلفه‌های زیربنایی صورت گرفته است. این تلاش‌ها باید بخش‌های جدا شده -علوم تجربی و علوم انسانی- از رویکردهای موجود را به صورت یکپارچه در خدمت رویکرد اکتشافی (اشاره شده در قسمت بحث جدول ۴) در آورد، یعنی ترکیبی از دانش تجربی و مفهومی که به وسیله آن ارزش‌های زیبایی‌شناختی و ارزش‌های اخلاقی منظر را می‌توان با هم ترکیب کرد. بنابراین می‌توان نتیجه‌ای جامع درباره کشف مجدد و بهم متصل کردن کانون‌های نظری منفک توضیحی، توصیفی و هنجاری در راستای رسیدن به دقت بالای تحلیلی ارائه داد (تصویر ۶).

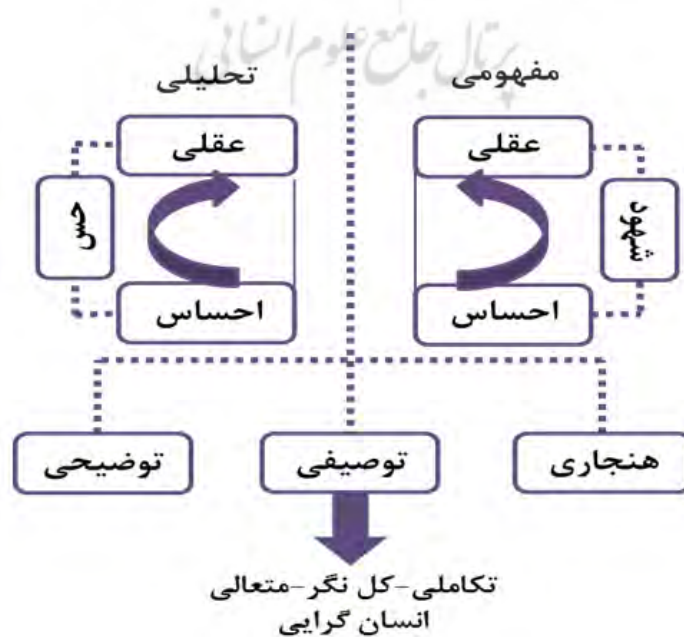
درمقام قیاس، تفکر، عامل کلیدی هر نوع مطالعه زیبایی‌شناسی است، چرا که نه تنها به انجام تحلیل در مطالعات علمی کمک کرده، بلکه در مطالعات انسان‌گرایی نیز، اقدام به مفهوم‌سازی می‌کند.

طرح چهاربخشی دیدگاه‌های نظری می‌تواند به شرح فقدان احساس در برابر منطق عقلانی در بسیاری از متخصصان طراحی کمک کند. بخش ناگفتنی کلیت تجربه زیبایی‌شناختی در قلب و روح ما جای دارد، این دو در مرز مشترک وجود ما به صورت یک موجود بیولوژیکی و اکولوژیکی به هم می‌رسند. در بخش بسیار اساسی و معنوی حیات انسان و تجربه، بعد بینش_احساس میل زیبایی‌شناسی را به وظیفه اخلاقی پیوند خواهد زد، چیزی که از طریق عشق، علاقه و احترام به طبیعت و منظر تجربه می‌شود.

همان طور که در بحث نیز مطرح شد غالب مشکلات روان‌شناختی باید با پدیدارشناسی شروع شده و سپس با روش‌های روان‌شناختی سنتی مانند روش‌های عینی، تجربی و رفتاری دنبال شوند. به این ترتیب از یک سطح با قابلیت اعتماد پایین به سطح قابل اعتمادتری از دانش دست یافته خواهد شد.

همان طور که گفته شد مطالعات معاصر درباره زیبایی‌شناسی منظر به دو عرصه علوم تجربی و علوم انسانی تقسیم شده‌اند، اما تلاش‌های کمی برای دستیابی به اثبات مفهومی و تدوین مؤلفه‌های زیربنایی صورت گرفته است. لذا این رویکرد باید بخش‌های جدا شده - اصولاً علوم تجربی و علوم انسانی - از بدنه رویکردهای موجود را به صورت واحد در برابر انسان‌گرایی تحلیلی - مفهومی درآورد، یعنی ترکیبی از دانش تجربی و مفهومی که به وسیله آن ارزش‌های اخلاقی و زیبایی‌شناختی منظر را می‌توان از یکدیگر تفکیک کرد.

جنبه‌های قطبی احساس و شهود نشان دهنده جهت دوگانه مطالعات است: علمی (آگاهانه) و انسان‌گرایانه (ناخودآگاه). بنابراین، این پارادایم و نظریه کلی درکی کل‌نگر، بین رشته‌ای، مبادله‌ای و ابداعی از تجربه زیبایی‌شناختی فراهم می‌کند که دقیقاً در میان زمینه‌های مشترک نظریه طراحی منظر و تجربه زیبایی‌شناسی نفوذ می‌کند. در عین حال، این نظریه عمومی قادر به پرداختن به نهادی یکپارچه و فصل مشترک اجزا و فاکتورهای منظر است. بنابراین، اطلاعات روشنی از معیارهای زیبایی‌شناختی در اختیار افراد حرفه‌ای قرار می‌دهد تا با دید بازتری نسبت به قضاوت ارزشی درباره کیفیت‌ها و ویژگی‌های ارزشیابی زیبایی‌شناختی مبادرت کنند. در پایان، لازم به ذکر است که پارادایم‌های موجود مربوط به درک و ارزیابی منظر متناسب و متجانس با پارادایم‌های ارزشیابی زیبایی‌شناختی از محیط هستند؛ بنابراین، این نظریه کلی و پارادایم جدید از زیبایی‌شناسی منظر از نقطه نظر تجربی می‌تواند به روشن‌تر شدن موضوعاتی مانند درک، ارزشیابی و ارزیابی محیط از منظر زیبایی‌شناسی، اکولوژیکی و اخلاقی کمک کند.



تصویر ۶. دیاگرام رویکرد های آینده نگر به زیبایی‌شناسی منظر. مأخذ: نگارنده.

فهرست منابع

- پورتئوس، جی. داگلاس. ۱۳۸۹. زیبایی‌شناسی محیط زیست : نظریه‌ها، سیاست‌ها و برنامه‌ریزی، ت : محمدرضا مثنوی. مشهد : جهاد دانشگاهی مشهد.
- کریمی مشاور، مهرداد. ۱۳۹۲. رویکردها و روش‌ها در زیبایی‌شناسی شهری. باغ نظر، ۱۰ (۲۴) : ۴۷-۵۶.
- گابستر، پل اچ، جوآن آی، ناساتور، دنیل و گری فرای. ۱۳۸۹. منظر اشتراکی؛ نسبت زیبایی‌شناسی با اکولوژی، ت : پدیده عادلوند و رضا قشقایی. مجله منظر، (۱۳) : ۳۶-۴۱.
- منصور، سید امیر. ۱۳۸۳. تماشای صحرا (تاملی در زیبایی‌شناسی منظر در شعر حافظ). باغ نظر، ۱ (۱) : ۸۴-۷۱.
- Berleant, A. (1997). *Living in the landscape: Toward an aesthetics of environment*, Kansas: University Press of Kansas.
- Berleant, A. (2000). *The aesthetic field, phenomenology of aesthetic experience*, cyberreditions. New Zealand: Christenson Publishing.
- tics and environment: Variation on a theme*, Ashgate Publishing. Burlington.
- Bourassa, S. C. (1988). Toward a theory of landscape aesthetics. *Landscape and Urban Planning*, (15): 241-252.
- Bourassa, S. C. (1990). *A Paradigm for Landscape Aesthetics*. *Environment and Behavior*, 22 (6): 787-812.
- Carlson, A. (1979). Formal Qualities in the Natural Environment. *Journal of Aesthetic Education*, 13 (3): 99-114.
- Carlson, A. (1993). On The Theoretical Vacuum in Landscape Assessment. *Landscape Journal*, 12 (1): 51-56.
- Carlson, A. (2001). Education for Appreciation: What is the Correct Curriculum for Landscape? *Journal of Aesthetic Education*, 35 (4): 97-112.
- Carlson, A. (2004). *Appreciation and the Natural Environment*. In Allen Carlson & Arnold Berleant (Eds.), *the Aesthetics of Natural Environments* (Pp.63-75). Ontario: Broadview Press.
- Carlson, A. (2006). The Aesthetic Appreciation of Environmental Architecture under Different Conceptions of Environment. *Journal of Aesthetic Education*, 40 (4): 77-87.
- Daniel, T. C., & Vining, J. (1983). *Methodological Issues in the Assessment of Landscape Quality*. In A.I. & J.F. Wohlwill (Eds.). *Behavior and Natural Environment (Human Behavior and Environment)*, Vol.6. New York: Plenum Press.
- Hudson, Liam, 1966, *Contrary Imaginations*. New York: Schochen Books.
- Ittelson, W. H. (Ed.) (1973). *Environment and Cognition*. New York: Seminar Press
- Jorgensen, A. (2011). Beyond the View: Future Directions in Landscape Aesthetics Research. *Landscape and Urban Planning*, (100): 353-355.
- Karimi Moshaver, M. (2013). Approaches and Methods in Urban Aesthetics. *Bagh- e Nazar Journal*, 10 (24): 47-56.
- Koh, J. (1988). An Ecological Aesthetic. *Landscape Journal*, 7(2): 177-191.
- Mansuri, S. A. (2012). Watching the Desert (A Reflection on the Aesthetics of Landscape in Hafiz Poetry). *Bagh- e Nazar Journal*, 1(1): 71-84.
- Maslow, A. (1966). *The Psychology of Science: A Reconnaissance*. Harper & Row. New York: Chapel Hill: Maurice Bassett.
- Maslow, A. (1998). *Toward a Psychology Of Being, 1968, Third Ed*. Contents: Van Nostrand.
- Mitroff, I. I., & Kilmann, R. H.. (1978). *Methodological Approaches to Social Science*. San Francisco: Jossey-Bass.
- Porteous, J. D. (2013). *Environmental Aesthetics: Ideas, Politics and Planning*. Routledge.
- Rosenberg, ANN. M. (1986). An Emerging Paradigm for Landscape Architecture. *Landscape Journal*, 5 (2): 75-82.
- Spirn, A.W. (1988). Nature, Form, and Meaning: Guest Editor's Introduction. *Landscape Journal*, 7 (2) : ii-iii.
- Zube, E. H. (1984). Themes in Landscape Assessment Theory. *Landscape Journal*, 3 (2): 104-110.